

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۵ فیروزی ۲۰۱۴

شعری از گذشته ها!!

در دنیای حسرتبار تنهائی، سری به دفتر خاطرات گذشته زدم، چشمم را یادداشتی جلب کرد که در اول میزان سال ۱۳۳۶ هجری شمسی به آدرس جوانی که قریحه شعری داشت و بیشتر آهنگهای فلمهای هندی را در لباس شعر دری ترتیب میکرد، افتاد. به گمان اغلب این جوان سروده های خود را به منظور نظرخواهی از نظر من میگذشتاند و من نیز محترمانه شعر ذیل را نصیحتوار برایش تقدیم کردم. اینک میخوام با آن یادداشت مملو از خاطره خوش فراموش ناشدنی، شما را نیز شریک بسازم:

تو ای شوریده شاعر، مرد هشیار	که هستی رحمت الله خان "بیمار"
به بیماری سخن گفتن بشاید	که از بیمار جز نالش نیاید
به کسب علم و دانش رنج برکش	بزن خود را همی در آب و آتش
که تا گردد کلامت نغز و رنگین	شود قدرت بلند از ماه و پروین
فلکپیما شود طرز کلامت	شود مشهور پیش خلق نامت
گذر از کاپی فلم و ز نامش	میفگن خویش را بیجا به دامش
که از فلمی نیابی هیچ کامی	نخواهی گشت صاحب جاه و نامی
همین یک حرف بشنو از اسیرت	که تا روشن شود از وی ضمیرت
سخن از اجتماع و درد او زن	ز ویرانی میهن های و هو زن

به درد بیکسان کن همنوائی بدین سان نام نیکو کن کمائی
 به راهی گریتمی را ببینی ز رویش گرد محرومی بچینی
 گدائی گر صدای غم برآرد اسیری بر تو روی حاجت آرد
 اگر ویرانه ای بینی به جائی دران ویرانه مردی بینوائی
 وطن را گر بیابی بی سرانجام فتاده در کف یک جمع خودکام
 مدیری، یا رئیسی، یا وزیری که باشد جمله دزد و راهگیری
 اگر در دفتری رشوت ستانی روان باشد، تو آن را هم بدانی
 به شور آئی و فریادی برآری خیانتها یکایک برشماری
 ز درد اجتماع الهام گیری ز بدها ذره ذره نام گیری
 به شعری شعله ای را بر فروزی قلم گیری و دنیا را بسوزی
 وگرنه تا ابد گمنام باشی
 ضعیف و ناتوان و خام باشی

(م. نسیم (اسیر) - کابل عزیز، اول میزان ۱۳۳۶ش)